



سورة فرقان

آیه های ۲۱-۲۶

غرور سر چشمه

الحاد!

۲۱ - وَقَالَ الَّذِينَ لَا يَرْجُونَ لِقَاءَنَا
كُلُوا مِنْ ثَمَرِهَا عِذَا أُنْزِلَ عَلَيْهَا
الْمَلَأِكَةُ أَوْ تَرَى رَبَّنَا
لَقَدْ اسْتَكْبَرُوا فِي أَنفُسِهِمْ
وَعَتُوا عَتْوًا كَبِيرًا .

: کسانی که به روز ملاقات ما (روز رستاخیز که روز دیدار کيفرها و پاداشهای خداست) امیدی ندارند می گویند : چر فرشتگان بر ما نازل نمی شوند ، چرا ما پروردگسار خویش را نمی بینیم ؟! حقا که آنان کبرورزیدند (خویشتن را بزرگ شمرده) و طغیان بزرگ نموده اند !

۲۲ - يَوْمَ يَرَوْنَ الْمَلَائِكَةَ لَا بُشْرَى
لَهُمْ يَوْمَئِذٍ لِلْمُجْرِمِينَ وَيَقُولُونَ حَجْرًا مَّحْجُورًا .

: روزی که فرشتگان را می بینند در آن روز برای افراد گنهکارمژده و (خوشی) نیست و فرشتگان می گویند بهشت بر شما حرام است (و یا افراد گنهکار می گویند ما از عذاب شما (ملائکه) در امان باشیم) .

۲۳ - وَقَدِمْنَا إِلَىٰ مَا عَمِلُوا مِنْ عَمَلٍ
فَجَعَلْنَاهُ هَبَاءً مَنْثُورًا .

: در آن روز به اعمال گنهکاران رسیدگی می کنیم و همه را بسان غبار پراکنده، بی نتیجه می سازیم .

۲۴ - أَصْحَابُ الْجَنَّةِ يَوْمَئِذٍ خَيْرٌ مُّسْتَقَرًّا
وَ أَحْسَنُ مَقِيلًا

: اهل بهشت در آن روز قرارگاه بهتر ، و استراحتگاه نیکوتر دارند .

۲۵ - وَيَوْمَ تَشَقُّقُ السَّمَاءُ بِالْغَمَامِ وَنُزِلُ
الْمَلَائِكَةُ نَزِيرًا

تصریح می کند آنجا که می فرماید : **مَا دَخَلَ قَلْبُ
أَمْرَأَشِيءٍ مِنَ الْكِبْرِ إِلَّا قَصَّ مِنْ عَقْلِهِ مِثْلُ
مَا دَخَلَهُ (۱)**

بر دل هیچ فردی کبر و غرور وارد نمی شود ،
مگر اینکه به همان اندازه از عقل او می کاهد .
از این بیان روشن می گردد ، که چرا کبر و خود
خواهی انسان را به الحاد و انکار مبدأ و معاد و
دیگر مقدسات می کشاند و اگر برخی دانشمندان
علوم طبیعی ، پس از يك رشته مطالعات ، سر از
مادگیری در می آورند ، این است که دانش ناقص
و نارسای آنها مایه غرور آنان می گردد و تصور
می کنند که بر تمام مشکلات دست یافته اند و در
پهنه جهان آفرینش چیزی برای آنان مجهول باقی
نمانده است و هر چه را در قلمرو علوم و دانشهای
مادی خود نینند ، به انکار و نفی آن بر می خیزند .
آنان که روح روان مجرد از ماده ، و ملک و فرشته و
دیگر موضوعات ماوراء طبیعت را ؛ به بهانه اینکه
در آزمایشگاه و روی میز تشریح خود اثری از
آنها مشاهده نمی کنند ؛ انکار و نفی نمایند و در
حقیقت این افراد دانشمندان بیچاره ای هستند که
فریب نابجای غرور خود را خورده و تصور نموده اند
که دایره هستی منحصر به ماده است و چیزی که از
قلمرو ماده بیرون گردید با عدم و نیستی برابر است
بی جهت نیست هنگامی که مردی از امام صادق
(ع) نخستین پایه الحاد را سؤال می کند امام در
پاسخ وی می فرماید : **إِنَّ الْكِبْرَ أَدْنَاهُ ! (۲)** :
خودپسندی درجه پائین کفر و انکار است زیرا

روزی که آسمان با ابرهایش شکافته می شود ،
و فرشتگان نازل می گردند .

**۲۶ - أَلَمْ نَكُ يَوْمَئِذٍ الْحَقُّ لِلرَّحْمَنِ وَ
كَانَ يَوْمًا عَلَى الْكَافِرِينَ عَسِيرًا**

فرمانروائی حق ، در آن روز از خداوند رحمان
است و برای افراد کافر روز بسیار دشواری است
بزرگترین عیب « کبر » همان حجاب ضخیمی است
که در برابر دیده عقل انسانی پدید می آورد ،
و مایه تیرگی خسر می گردد و فرد متکبر پیوسته
از واقعیات فاصله می گیرد و ویش صحیح ، از
اوسلب می گردد و هرگز نمی تواند حقایق را
آنچنان که هست دریابد ، و به ارزش واقعی
آنها پی ببرد ، و درست ارزیابی نماید .

شخصیت پنداری ، که فرد متکبر برای خود در
جهان وهم و خیال ، می سازد ، مانع از آن
می گردد ، که حقایقی را که با خود خواهی
او ، اصطحاك دارد بپذیرد ، بلکه تنها چیزی که از
نظر او می تواند حقیقت باشد ، این است که به
غرور نابجا و خودپسندی او کمک کند ، و با آن ،
هر مسیر گردد ، و در غیر این صورت در نظر او
نقشی بیش نخواهد بود .

تو گویی میان کبر و غرور و ویش صحیح تضادی
وجود دارد ، که هرگز در يك جا با هم نمی گنجند ،
و هرگاه کبر و خودبینی به محیط عقل راه یابد به
همان نسبت از عقل انسان می کاهد ، و مایه تیرگی
محیط ادراک می گردد .

امام باقر (ع) در گفتار خود به این حقیقت

۱- سفينة البحار ماده « کبر »

۲- کافی ج ۲ ص ۳۰۹

نظر قرآن عامل چنین اعتراض کبر ؛ و خودپسندی است چنانکه می فرماید :

لقد استکبروا فی انفسهم و عتوا کبیراً : آنان کبر ورزیده و خویشان را بزرگ شمرده اند و طغیان بزرگتر نموده اند .

چه کبری بالاتر از این که تصور می کردند که مقام و موقعیت و قدرت روحی و عظمت روانی آنان ، با پیامبران آسمانی یکسانست و چیزی از آنها کم ندادند و در پوشش شخصیت کاذب و پنداری ، به انکار نزول فرشته بر پیامبر برخاسته و می گفتند که ، اگر نزول فرشته بر محمد «ص» راست است پس چرا بر ما نازل نمی گردد ؟

دانشمندان می گویند : کبر و غرور با یک رشته محرومیت همراه است افراد متکبر هیچ گاه به حل مشکلات علمی که گره آنها تنها در سایه اصطکاک و مذاکره با دیگران حل فن گشوده می شود موفق نمی گردند ؛ زیرا

غرور و خودپسندی به آنها اجازه نمی دهد که مشکلات فکری خود را با دیگران در میان بگذارند ، و از افکار آنان بهره مند گردند و پیوسته ، «تنها به قاضی می روند» . کبر و غرور مشرکان ؛ به اندازه ای بود که به آنان

اجازه نمی داد که به سخنان پیامبر به دقت گوش دهند تا روشن شوند که هرگز پیامبر گرامی مدعی آن نیست که با خدا به نحو مشافهه و روبرو سخن می گوید ؛ تا دیگر چنین آرزویی برای خویش نکنند و نگویند **اوفی ربنا** : چرا خدای خود را نمی بینیم .

از این جهت می بینیم که قرآن در آیات بعدی به نخستین اعتراض آنها پاسخ می گوید و از پاسخ به

هرگاه کبر و غرور ؛ بیش از حد معمول اوج بگیرد قطعاً سر از انکار مقدسات و دیگر اصول مذهبی در می آورد .

بهترین گواه دو اعتراض است که آیات مورد بحث از مشرکان عصر رسالت نقل می کند و یادآور می شود که کبر و خودپسندی ، آنان را به چنین روز سیاه نشانده است . اینک اعتراض آنان :

۱- لولا انزل علینا الملائکة چرا فرشتگان بر ما نازل نمی گردد ؟

۲- اوفی ربنا چرا خدای خود را نمی بینیم ؟
این دو جمله اگر چه به صورت دو اعتراض جلوه می کند ، ولی مجموع آنها یک اعتراض نیست و اعتراض آنها دو صورت و دو طرف دارد زیرا روح اعتراض آنها این است که پیامبر اسلام خود را رسول خدا و رساننده پیام الهی می داند اکنون سؤال می کنیم که پیام های خداوند چگونه به او می رسد .

آیا فرشته ای بر او نازل می گردد و پیام الهی را می رساند پس چرا چنین فرشته ای بر ما نازل نمی گردد در صورتی که او نیز بسان ما بشر است .

یا اینکه خداوند با او به طور مشافهه و روبرو سخن می گوید پس چرا ما خدای خود را نمی بینیم ؟ آنان تنها جمعیتی نبودند که به پیامبر چنین اعتراضی نموده اند بلکه در میان امت های پیشین نیز چنین افرادی بوده است که بشر بودن پیامبران را بهانه کرده و رسالت آنان را انکار می کردند و می گفتند : **ان اقمم الا بشر مثلنا** «سوره ابراهیم ۷» : شما نیز بسان ما بشر هستنند . از

اعتراض دوم آنان خودداری می نماید .

آری فرشتگان را خواهند دید !

خدا در پاسخ نخستین اعتراض انسان جانب اثبات را می گیرد ؛ و می گوید آنان نیز فرشتگان را خواهند دید ولی توجه داشته باشند که دیدن فرشتگان برای آنان ، مادامی که در زندان طبیعت و در ماده فرو رفته اند امکان پذیر نیست ولی هنگامی که در آستانه خروج از این جهان قرار گرفتند و یا گام در پهنه جهان دیگر گذارند در این موقع است که با فرشتگان حق روبرو شده و آن روز برای آنان روز خوشی نخواهد بود ، و دیدن فرشته ، سودی به آنها نخواهد داشت زیرا این فرشتگان مظاهر قهر و خشم خدا ، و ماموران عذاب و حاملان پیام بدبختی برای مشرکان خواهند بود چنانکه می فرماید :

یوم یرون الملائكة لا بشری یومئذ للمجرمین : روزی فرشتگان را می بینند ؛ و آن روز برای گناهکاران روز خوشی نخواهد بود .

آنان در چه روزی فرشتگان را خواهند دید ممکن است گفته شود : در همان آخرین لحظات زندگی که در گرداب مرگ دست و پا می زنند ؛ زیرا به گواهی برخی از آیات قرآن در این لحظه افسراد گناهکار با فرشته ها روبرو می شوند و با آنان سخن می گویند چنانکه می فرماید :

ولو تری اذا الظالمون فی غمرات الموت و الملائكة باسطوا ایدیهم ، اخرجوا انفسکم الیوم تجزون عذاب الهون بما کنتم تقولون علی الله غیر الحق و کنتم عن آیاته تستکبرون . سوره انعام آیه ۹۳ هر گاه ستمگران را در گرداب مرگ ببینی و فرشتگان

دست های خود را گشوده اند (و به آنان می گویند) جان خود را (از بدن) خویش بیرون سازید امروز به سزای آنچه که درباره خدا به ناحق سخن گفته اید و از آیات او گردنکشی کرده اید ، می رسید .

آنان در چنین لحظه که زندگی بر زخمی خود را آغاز می کنند نه تنها با فرشتگان عذاب روبرو می گردند بلکه بر اثر عقب رفتن حجابها و پرده ها مشاهده خواهند کرد که حتی آن مختصر اعمال نیکی که برای سعادت خویش انجام داده بودند بی ثمر گردیده و محو و نابود گشته است چنانکه می فرماید : **وقدمنا الی ماعملوا من عمل فجعلناه هماء منشوراً** در آن روز به اعمال گناهکاران رسیدگی می کنیم و همه را بسان غبار پراکنده در هوا ، بی نتیجه می سازیم .

هدف آیه «ضبط» و بی نتیجه گشتن اعمال نیک گناهکاران است زیرا هیچ عمل صالحی با حالت کفر نمی تواند مایه تکامل انسان و موجب سعادت وی گردد .

باردیگر قرآن دوزخیان و بهشتیان را بسان آیه چهارده از این سوره می سنجد و می فرماید :

اصحاب الجنة یومئذ خیر مستقراً و احسن مقیلاً

دومین مرحله ای که آنان فرشتگان را خواهند دید روزی است که رستاخیز جهان بر پا می گردد و آسمان با ابرهای خود شکافته میشود و فرشتگان به روی زمین نازل می گردند چنانکه می فرماید : **و یوم تشق السماء بالغمام و نزل الملائكة فنزیلاً روزی که آسمان با ابرهای خود شکافته**

می‌شود و فرشتگان نازل می‌گردند.

ولی در چنین روز حکومت مطلقه و فرمان نافذ؛ فرمان خداوند رحمان و رحیم است جز اراده او هیچ اراده‌ای حکومت نمی‌کند و چنین روز بر گروه کافر روز بسیار سخت است زیرا در زندگی دنیوی، دل از خدا بریده و به امور و اسبابی تکیه کرده بودند که در روز رستاخیز کوچکترین کاری از آنها ساخته نیست چنانکه می‌فرماید: **الْمَلِكُ يَوْمَئِذٍ الْحَقُّ لِلرَّحْمَانِ وَكَانَ يَوْمًا عَلَى الْكَافِرِينَ عَسِيرًا**؛

«فرمانروائی حق در آن روز؛ از آن خدای رحمان است و برای افراد کافر روز بسیار دشواری است».

در پایان بحث از یادآوری نکته‌ای ناگزیریم که در دوران جاهلیت هنگامی که فردی با دشمن خود در ماههای حرام روبرو می‌شد برای مصونیت خود به او می‌گفت: **حجرا محجورا**؛ از جانب تو در امان باشم و آسیبی از تو برای من نرسد. قرآن یادآوری میکند که این افراد به قدری در افکار جاهلی خود فرو رفته و از لاک خودبیرون نمی‌آیند حتی هنگامی که با فرشتگان روبرو می‌گردند همین سخن را به آنان نیز می‌گویند: حجرا محجورا، به گمان اینکه جهان برزخ نیز بسا دنیا است و احکام آن جهان در این سرانیز حکومت می‌کند.

علائم و نشانه‌های ایمان

علی (ع) می‌فرماید:

«الْإِيمَانُ أَنْ تُؤْتِرَ الصِّدْقَ حَيْثُ يَضُرُّكَ عَلَى الْكِذْبِ حَيْثُ يَنْفَعُكَ وَأَنْ لَا يَكُونَ فِي حَدِيثِكَ فُضْلٌ عَنْ عَمَلِكَ»



«نشانه ایمان به خدا این است که راستگویی را هر چند به ضرر

تو تمام هود؛ بردروغ که بنفع تو است، مقدم‌داری و هرگز گفتار تو بیش از کردار تو نباشد. (نهج البلاغه کلمات قصار شماره ۲۵۸)